

بخشنامه ای که همه ارتجاع جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشت!

خبرگزاری تسنیم در دوم آذر ماه متن بخشنامه ای را منتشر کرد که در ۱۹ آبان ماه سال جاری (۱۳۹۴) از طرف رئیس حوزه قضایی دادگاه عمومی بندر امام صادر شده است. در این بخشنامه که آشکارا برای خفه کردن صدای اعتراض کارگران به بدیهی ترین حقوق خود تنظیم گشته، تجمع اعتراضی کارگران اخلاص در نظم شرکت های پتروشیمی تلقی شده و با این اخطار که "با هر گونه تجمع غیر قانونی و اخلاص در نظم شرکت ها برخورد خواهد شد" کارگران مورد تهدید قرار گرفته و از تجمعات اعتراضی منع شده اند. پس از چنین تهدید و ارباب ها، این راه از طرف صادر کننده این بخشنامه جلوی پای کارگران گذاشته شده که هر کارگر که به حق و حقوق خود اعتراض دارد باید خود به دادگاه مراجعه کرده و...

صدور بخشنامه سرکوبگرانه اخیر از طرف دادگستری کل استان خوزستان بخش بندر امام خمینی علیه کارگران و تهدید کارگران معترض به پیگرد قانونی به دلیل مطالبه حقوق طبیعی خویش، جلوه ای دیگر از اوج بی شرمی کارگزاران جمهوری اسلامی و ماهیت کارگر ستیز دیکتاتوری حاکم را به نمایش گذارده است. می دانیم که رژیم کارگر ستیز جمهوری اسلامی در طول حیات سرا پا ننگین خود جهت تشدید سرکوب اعتراضات و مبارزات آن ها به هر ترفند ارتجاعی و سرکوبگرانه، از اخراج و فشار بر کارگران معترض گرفته تا ضرب و شتم و بریدن زبان و حتی ترور کارگران معترضی که خواهان احقاق حقوق صنفی خود و همکاران شان در محیط های کارگری بوده اند متوسل شده است. اما بخشنامه اخیر فراز جدیدی از تعرض جمهوری اسلامی به حقوق بدیهی و انسانی طبقه کارگر ایران را به نمایش می گذارد. بر اساس این بخشنامه که از سوی خبرگزاری کار ایران ایلنا نیز منتشر شده است "تجمع و اخلاص در نظم شرکت های پتروشیمی خلاف قانون و مقررات است و طبق قانون برخورد قضایی به عمل می آید". واضح است که علت صدور چنین بخشنامه ای که همه ارتجاع جمهوری اسلامی را یک جا به نمایش گذاشته است همانا تداوم تجمعات اعتراضی کارگران و کارمندان بعضی از شرکت های پتروشیمی در عسلویه بندرامام خمینی می باشد. در بخشنامه مزبور این واقعیت چنین مورد تاکید قرار گرفته است "با توجه به تجمع های غیر قانونی بعضی از کارگران و کارمندان در بعضی از شرکت های پتروشیمی لازم است جهت توجیه و جلوگیری از وقوع جرم موارد ذیل رعایت شود در غیر این صورت وفق مقررات با مخاطبان برخورد قضایی خواهد شد." واقعیت این است که کارگران عسلویه که یکی از تحت ستم ترین کارگران ایران می باشند در شرایطی که کارفرمایان دسترنج آن ها را به جیب زده و ماه ها حقوقی به آن ها نمی دهند برای برخورداری از حقوق صنفی خویش و دریافت حقوق و مزایای عقب مانده و احياناً بهبود شرایط کار راهی جز تجمع های مسالمت آمیز برای رساندن صدای خود به گوش جامعه ندارند.

اگر روی این واقعیت تأمل کنیم که به صورتی که در قانون کار خود رژیم تصریح شده سرمایه داران و کارفرمایان موظف به پرداخت مزد کارگر در زمان معین می باشند، آن گاه عمق ارتجاعی بودن بخش نامه ضد کارگری دادگستری خوزستان هر چه بیشتر خود را نمایان می سازد، چرا که این بخشنامه در دفاع از منافع سرمایه داران و کارفرمایان زالو صفت و چپاول گر حاکم، کارگرانی را که جهت دریافت حقوق های پرداخت نشده خود مبادرت به تجمع می کنند- یعنی به نقض "قانون" از طرف کارفرما اعتراض دارند - را مجرم اعلام کرده و تهدید می کند که اگر از "اخلاص در نظم شرکت ها" دست برندارند با آن ها برخورد قضایی خواهد شد. معنای برخورد قضایی را هم در جمهوری اسلامی کمتر کسی پیدا می شود که نداند و یا خود تجربه نکرده باشد. "برخورد قضایی" در قاموس این رژیم کارگر ستیز یعنی دستگیری و بازداشت، قرار دادن او در یکی از بدترین شرایط

شکینجه و بعد احياناً کشاندن به دادگاهی ساختگی یا به یک بی دادگاه و سرانجام جریمه و زندان و... هر چند در تبلیغات ریاکارانه، دادگستری جمهوری اسلامی هم مدعی است که حامی کسانی است که حقی از آن‌ها پایمال شده اما همان طور که دیده می شود این دادگستری به جای این که به کارفرماها و شرکت‌ها اخطار کند که اگر حقوق کارگران را نپردازند - یعنی قانون کار را نقض کنند - طبق قانون کار با آن‌ها برخورد خواهد کرد، با بی شرمی تمام و به طور تمام قد به دفاع از کارفرمایان و صاحبان شرکت‌ها برخاسته و کارگران تحت ظلم و ستم قرار گرفته را مورد تهدید و ارباب قرار می دهد. بخشنامه صادر شده از طرف دادگستری خوزستان تحت دولت روحانی یکی از سندهای رسوائی است که نشان می دهد که جمهوری اسلامی و دولت مدعی اعتدال روحانی چگونه با چنگ و دندان از بورژوازی قانون شکن حاکم دفاع می کنند.

در سال‌های اخیر با رشد روز افزون اعتراضات کارگری و تبدیل جریان این اعتراضات و اعتصابات کارگری به امری رایج در جامعه تحت سیطره سیستم سرمایه داری وابسته حاکم، سرمایه داران استثمارگر و حامیان شان به تاکتیک ضد خلقی جدیدی دست زده اند. به کرات مشاهده می شود که سرمایه داران علاوه بر تمامی تمهیدات سرکوبگرانه موجود، برای خفه کردن صدای اعتراض کارگران، آن‌هم اغلب برای دریافت حقوق کاری که انجام داده اند، در جریان تجمع اعتراضی کارگران، به شکایت از کارگران معترض و مقابله با آن‌ها از طریق کشاندن کارگران آگاه به دادگاه‌ها متوسل شده اند. بارها نیز با توسل کارفرماها به دادگاه‌ها، شاهد دستگیری و دادگاهی شدن کارگران معترض به جرم درخواست حقوق عادلانه و قانونی شان بوده ایم. در چنین اوضاعی، صدور بخشنامه مورد بحث که از سوی خبرگزاری‌های جمهوری اسلامی هم وسیعاً منعکس شده است، خبر از این می دهد که سرمایه داران حاکم و رژیم مدافع آن‌ها یعنی جمهوری اسلامی به زورگویی و اجحاف حقوق کارگران تا حد بسیار ظالمانه کنونی نیز راضی نبوده و در تقابل با موج گسترده اعتراضات و اعتصابات کارگری با وقاحت تمام درصدد هستند تا قوه قضائیه را هم در کنار نیروهای انتظامی برای سرکوب هر چه فزون تر کارگران وسیعاً وارد میدان کنند. به واقع، اکنون مقامات حکومت می کوشند تا با لولوی قوه قضائیه و دادگاه و زندان، کارگران معترض را مجبور به سکوت و تمکین در مقابل حق کشی‌های کارفرماها نمایند و به عبارت دیگر بردگی کامل کارگران در دستان سرمایه داران خونخوار را، آن‌هم در قرن بیست و یکم قانونی سازند.


در شرایطی که سرمایه دار تنها با به کارگیری نیروی کار و استثمار کارگر است که امکان می یابد با تداوم کسب ارزش اضافه، سرمایه خود را فزونی بخشد واضح است که توقف تولید یعنی ضربه زدن به جیب سرمایه دار. اما سرمایه دارها نه فقط از این لحاظ از اعتصاب کارگران همیشه وحشت دارند بلکه این را نیز به خوبی می دانند که جدا از این که حرکت‌های متحدانه طبقه کارگر جیب آن‌ها را نشانه می رود قدرت سروری شان را هم زیر سوال می برد. از سوی دیگر اعتصاب و حرکت مشترک کارگران باعث می شود که کارگران به قدرت خود پی برده و نسبت به کسب مطالبات شان امیدوارتر گردند و در صورت موفقیت، کارگران واحدهای تولیدی دیگر را نیز جهت کسب خواست‌های خود تشویق نمایند. اما حتی در صورت عدم موفقیت، که اعتراضات کارگران ایران اغلب با آن و حتی به خصوص با سرکوب مبارزات خود مواجه اند، کارگران به راه‌های جدی تر مبارزه که باید آن‌ها را از شرایط ظالمانه کنونی رهائی دهند، می اندیشند.

به طور کلی، بخشنامه اخیر را باید در ادامه تلاش‌های جمهوری اسلامی جهت ممانعت از شکل‌گیری اعتصابات کارگری دید. امری که بار دیگر نشان می دهد که برای جمهوری اسلامی همان قدر که اتحاد کارفرمایان مجاز و حیاتی است و به آن‌ها امکان می دهد که دور هم جمع شده و علیه کارگران و مطالبات برحق شان دسیسه بچینند، اما اتحاد کارگران و مبارزه آن‌ها برای حقوق قانونی پذیرفته شده شان گناهی نابخشودنی است. اما علیرغم همه این تشبیهات، از آن جا که کارگران برای رسیدن به حقوق خود چاره‌ای جز مبارزه و اعتصاب به عنوان یکی از اشکال مبارزاتی خود ندارند، به چنین بخشنامه‌هائی واقعی نهاده و همان

طور که بی اعتنا به چماق نیروهای انتظامی رژیم با خواباندن تولید، پیگیر حقوق و مطالبات برحق خود هستند، در عمل با تداوم مبارزات خود پاسخ چنین بخشنامه هائی را هم خواهند داد. به خصوص که تجربه به کارگران آموخته است که کارفرماها و دولت که در جامعه ما خود بزرگ ترین کارفرمای کشور است، پایبند هیچ منطق در جهت پاسخ گوئی به درخواست های عادلانه کارگران نیستند و آن ها تنها با مبارزه متحد و مصممانه خود و تحت فشار توقف تولید ، ممکن است کارفرماها و دولت را مجبور به دادن حداقل ای از حقوق کارگران بکنند. کارگران ما در جریان مبارزه خود قادر می شوند که دشمنان خود را که در چهره های مختلف ظاهر می شوند، بهتر شناخته و اتحاد طبقاتی خود را مستحکم تر سازند. آن ها بیش از پیش می آموزند که برای رسیدن به خواست های خود و رهائی از زیر ستم نظام ظالمانه حاکم، صرف مبارزه صنفی با کارفرمایان و دولت کارساز نیست. تجربه نشان داده که سلطه سرمایه دارها و رژیم حامی شان را بدون مبارزه سیاسی همه جانبه و به کار گیری همه اشکال مبارزاتی که اعمال قهر انقلابی اساس آن را تشکیل می دهد، نمی توان نابود ساخت. این امری است که رهائی واقعی کارگران در آن نهفته است.

FROM : ... FAX NO. : ... NOV. 12 2009 09:44AM P2

شماره: ...
تاریخ: ۱۹ آبان ۹۴
بسمه تعالی



کمیسیون حقوق کارگران و کارکنان شاغل در منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی

**به کلیه پیمانکارها و کارگران شاغل در منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی
بندرامام خمینی(ره)**

با توجه به تجمعی غیرقانونی بعضی از کارگران و کارمندان در بعضی از شرکتهای پتروشیمی لازم است جهت توجیه و جلوگیری از وقوع جرم موارد ذیل رعایت شود در غیر اینصورت وفق مقررات با مخاطبان برخورد قضایی خواهد شد.

۱- حقوق و مزایای کارگر و رابطه کارگر و کارفرما طبق قانون مدون بنام قانون کار مشخص شده است و طبق قانون فوق باید مطالبه گردد.

۲- در صورتی که کارگری به حق و حقوق خود اعتراض دارند می توانند به دادگاه مراجعه کرده و دادگاه نیز با اداره کار مکاتبه خواهد نمود و در صورتی که حقوق ایشان طبق قانون پرداخت نمی شود مسئولان مربوط موظف می شوند نسبت به پرداخت حقوق کارگر وفق مقررات اقدام نمایند.

۳- تجمع و اختلال در نظم شرکتهای پتروشیمی خلاف قانون و مقررات است و طبق قانون برخورد قضایی بعمل می آید مجدداً تکرار می شود کارگرانی که به حقوق و مزایای خود اعتراض دارند با ارائه فیش مطالبات آنها پی گیری خواهد شد از این تاریخ با هرگونه تجمع غیرقانونی و اختلال در نظم شرکتهای برخورد خواهد شد.

رئیس حوزه قضایی پتروشیمی بندرامام خمینی(ره)

